

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کنم خدمتتان که احادیث را خواندیم گفتیم یک کمی بحث‌های حدیثی بشود و رواه الشیخ باسناده عن احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن عیسی که یک توضیحی دادیم یک مقداری احتمال دارد پدرش باشد احتمالش هست عن ابن ابی عمیر عن ابان البته چه محمد بن عیسی پدر ایشان باشد چه یقیناً باشد این به لحاظ وثاقت مثلاً بحث می‌شود که رجالی است لکن ما چون نکته‌ی فهرستی را هم همیشه اضافه کردیم این نسخه خیلی در قم مشهور نیست .

دو بحث است یک بحث این است که ایشان مثلاً پدرش است یا عیبدی است خیلی خوب ، بحث دوم آیا پدرش ثقة است عیبدی ثقة است یا نه چون شیخ می‌گوید ضعیف این بحث دوم ، بحث سوم که ما اضافه کردیم آیا این ، چون واضح است که کتاب ابن ابی عمیر است ، آیا این نسخه‌ی ابن ابی عمر در قم چون احمد می‌خواهد از ایشان نقل بکند آیا این نسخه‌ی ابن ابی عمیر در قم مشهور بوده یا نه ، نه مشهور نیست . چه محمد بن عیسی پدر باشد نمی‌خواهیم بگوییم غلط است ، نسخه‌ی مشهور نیست .

عرض کردیم اصح نسخ ابن ابی عمیر آن است که خود احمد از ابن ابی عمیر نقل می‌کند و مشهورترین نسخه‌ی ابن ابی عمیر در قم نسخه‌ی ابراهیم بن هاشم است ، نسخه‌ی یعقوب بن یزید است ، عیبد الله احمد نهیگی است ، عده‌ای از نسخ ، ایشان اشاراتی همیشه داشته دیگر خیلی وارد تفصیل نشویم ، نسخه‌ی مشهور نیست ممکن است بگوییم صحیح است رجالی به اصطلاح و یا قابل قبول است حتی به عنوان فهرستی اما نسخه‌ی مشهور نیست .

این یک مطلب صاحب وسائل این را بعد از ذیل حدیث شماره‌ی ۲ آورده است . عن ابان و یحیی عن ابی المعزی عن الحلب ، این ابان ، ابان بن عثمان است که ابن ابی عمیر از او نقل می‌کند، یحیی هم ظاهراً یحیی حلبی باشد ، ابی المغیری هم ثقة است حالا اسمش الان یادم رفت .

علی ای حال این حدیث به لحاظ سندی مشکل ندارد جز همان کلمه‌ی محمد بن عیسی .

حدیث شماره‌ی ۴ البته من شماره‌ی ۳ را رد کردم برای نکته‌ای . این در ذیل حدیث شماره‌ی ۲ آورده بود ایشان ، حدیث شماره‌ی ۴

اینطوری ایشان گفتند شماره زدند ، عرض کردم یک نکته‌ای هم که حالا ما در اینجا توضیح می‌دهیم

یکی از حضار: حمید بن مثنی است ابی المغری

آیت الله مددی: بله حمید بن مثنی .

بینید یکی از کارهایی که در مجامیع حدیثی الان رویش حساب می شود جداسازی احادیث است مثلاً در این باب پنج تا حدیث داریم یا نه در این باب هفت تا داریم دو تایش تکرار است با حذف مکررات ، این شماره گذاری برای احادیث یکی از کارهایی است که الان یعنی برای احادیث باب را معین کردن و حدیث را جدا کردن خودش از کارهای فنی است و وسائل خودش توجه دارد به این مطلب صاحب وسائل ، عرض کردیم بعد از نوشتن وسائل ایشان یک فهرستی دارد فکر کنم هدایة الامة اسمش باشد نمی دانم حالا اسمش یادم رفته است. یک فهرستی خود ایشان برای وسائل نوشتند فهرست نیست اینجا نوشته فهرست نه فهرست نیست اسمش ، یک کتاب جداگانه ای است مرحوم صاحب وسائل یک کتاب دیگری ، یکی یکی ابواب را نگاه کردند احادیث را شمردند شماره ی احادیث را نوشتند بعد هم نوشتند چند تا حدیث در این باب هست معارض هست معارضش را حمل بر چه بکنیم یک نوع برداشت کلی از باب ها دارد .

مثلاً همین فرض کنید باب مضاربه که الان ایشان اینجا دارد مثلاً باب حکم اوصی لقربته وحد القرابة فیه حدیث وفیه ان لم یسمی اعطاها قربته وکان المراد من یسمی قرابة بینید مضمون باب را برداشته آورده است . آن وقت از کارهای دیگری که در اینجا کرده شماره داده است که در این باب من چند تا حدیث آوردم .

یکی از مشکلاتی که الان در همین کتاب آقای ربانی هست یعنی یکی از مشکلاتی که شده شماره ای که صاحب کتاب داده با آن شمارگانی که خود آقای محشی کتاب مرحوم آقای ربانی داده نمی خورد و این در یک جا نیست ها ، این کتاب یعنی این فهرستی که خود ایشان مرقوم فرمودند در این چاپ آل البیت نیامده این نکته را هم سابقاً عرض کردم .

یعنی این فهرستی که الان با این چاپ آل البیت چاپ شده فهرستی است که خودشان ساختند ، عدد احادیث را هم خودشان گذاشتند. البته من گفتم به آنها می گویند چون کتاب مستقلی است ما دیگر نیاوردیم مرحوم ربانی تکه تکه کرده آن فهرست را هر مقداری مثلاً مقداری که با باب جلد اول است در جلد اول مقداری جلد دوم است تا جلد بیست جلد نوزده مرحوم آقای ربانی آن کتاب را تکه تکه کرده مناسب با خود وسائل دقت کردید این یک نکته ای است که این دو کتاب این چاپ مرحوم آقای ربانی دو کتاب وسائل است لکن یکی فهرست خود وسائل است و لطائفی درش دارد نه اینکه هم عدد احادیث دارد هم بیان حکم دارد هم می گوید مثلاً معارض دارد ، معارض یحمل علی کذا وسیاتی مثلاً این نکات فنی را دارد در این نسخه ای که مرحوم آقای ربانی .

مثلا همین جا نگاه بکنید نوشته الباب الاول فيه اثني عشر حديثا وفي الفهرست احد عشر در فهرست نوشته یازده تا اما ایشان که شماره گذاری کرده دوازده تا این تکرار شده می خواهم بگویم یک جا نیامده است عده ای از جاها آمده و این خودش الان یک نکته ای است ها حالا با قطع نظر از کاری که صاحب وسائل انجام داده این خودش یک نکته ی لطیفی است که این دو تا حدیث است یا یک حدیث است؟ یکی از حضار: اصلا یکی دو تا بودن حدیث را از کجا بدانیم مثلا اینجا نوشته مثله را دو تا بگیریم یا یکی؟

آیت الله مددی: ایشان مثله را یکی گرفته

یکی از حضار: خوب چرا این کار را کرده نباید این طور باشد

آیت الله مددی: حالا نگاه کنید .

حالا بدتر از آن اینجا این حدیثی را که الان خواندیم ذیل حدیث دوم آورده در خود حدیث شماره ی ۴ اصلا حدیث شماره ی ۴ نوشته محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد که ظاهرا اشعری باشد عن محمد بن عیسی عن ابن ابی عمیر عن ابان و یحیی عن ابی المغری عن الحلبي این عینا همان است ، سندا و متنا یکی است . المال الذی يعمل به مضاربة و عین ببخشید سندا عین همان است همان سند است متنش یک اضافه دارد يعمل به مضاربة له من الربح و ليس عليه من الوضیعة شیء اینجا دارد و ليس عليه در شماره ی ۲ و ليس عليه ، نه آن متنش با این فرق می کند الا ان یخالف امر صاحب المال چیز عجیبی که در اینجا هست این روایت حلبی با روایت شماره ی ۳ که نخواندم متنش یکی است این روایت شماره ی ۴ با ذیل حدیث شماره ی ۲ سندش یکی است .

یکی از حضار: سندش هم می گوید ورواه الشيخ باسناده عن احمد اینجا محمد بن الحسن دارد این سندش هم .

آیت الله مددی: چون ابتدا به اسم محمد بن الحسن کرده است . محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد .

یکی از حضار: شیخ یعنی از طریق محمد بن الحسن ذیل ۲ را نقل کرده است ؟

آیت الله مددی: خود شیخ محمد بن الحسن است دیگر .

من این توضیح را عرض کردم متاسفانه حتی چون دیدم بعضی از بزرگان هم اشتباه می کنند، ببینید کلینی یک عادت دارد وقتی سم یک شخص را کامل می آورد تمام احادیث بعدی عطف بر آن است اما اگر عنوان نیاورد و اسم کامل نیاورد احادیث بعدی عطف نیست ، مثلا ببینید حدیث اول محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی بعد ورواه الشيخ باسناده عن الحسين حدیث شماره ی ۲ و عن علی بن ابراهیم خیال نکنید رواه الشيخ عن علی بن ابراهیم ، کلینی عن علی بن ابراهیم .

کلینی بعد دارد ورواه الشيخ ببینید اگر گفت شیخ این را مبدء قرار نمی دهد حدیث سوم وعن ابی علی الاشعری یعنی کلینی عن ابی علی الاشعری ولویک سطر قبل اسم شیخ است . این سوم که تمام می شود محمد بن الحسن از اینجا احادیث بعدی عطف بر شیخ است ، یکی از حضار : اینجا دیگر نگفته شیخ اسمش را آورده است .

آیت الله مددی : بله اسمش را آورده است ، اگر اسمش را آورد احادیث .

بعد می گوید ورواه عن فلان و عن فلان اینها دیگر عطف بر محمد بن ، این روش امروز مطلوب نیست می گویم بزرگان دیدم اشتباه کردند نه اینکه حالا این روش مطلوب نیست لکن این روش صاحب وسائل است ، محمد بن الحسن گفت بعد حدیث شماره ی ۵ هم وباسناد عن الحسین ، اینجا دیگر به کلینی بر نمی گردد ، بر می گردد به شیخ .

بعد حدیث شماره ی ۶ و عنه بعد ذیل حدیث شماره ی ۶ ورواه الصدوق باسناد شماره ی ۷ و عنه ، عنه باز به صدوق بر نمی گردد هنوز بر می گردد به شیخ ، اگر می گفت محمد بن علی بن الحسین به صدوق عطف کرده است . خیلی ، دقت کردید این روش کار ایشان . عرض کردم این الان مطلوب نیست جامع الاحادیث هم این کار را نمی کند اسم می برد ، اسم مصدر می برد و این کار مطلوبی هم نیست نه این که خیال کنید خیلی کار مطلوبی است .

علی ای حال مثلا حدیث شماره ی ۸ و عنه یعنی شیخ عنه و عنه وباسناد عن ابن سماعه ، اینها تمام بر می گردد به شیخ طوسی ، بعد احمد بن محمد بن عیسی فی نوادر اینجا باز تمام شد احادیث شیخ طوسی تمام شد آن وقت اگر بخواهد مثلش را بگوید می گوید ورواه الصدوق ورواه الکلینی ، اگر گفت رواه الکلینی عطف نمی کند حدیث بعدی عطف بر کلینی نیست این هم یک نکته ای است که خیلی عرض کردم .

این حدیث بعد سندش با آن یکی است ظاهرا از کتاب حلبی باید باشد لکن در آن یک مقدارش است در این یک مقدار دیگرش است یعنی در آنجا یک سوال و جواب است در اینجا یک سوال و جواب دیگری است آن وقت آیا مرحوم شیخ مثلا اشتباهی برایش رخ داده است ؟ ببینید یک بحثی آن متن حدیث این است ، عن فی الرجل يعطى المال فيقول له ارض كذا وكذا ولا تجمع بها واشترى منها قال فان جاوزها فهلك المال فهو ضامن وان اشترى متاعا فوضع فيه فهو عليه وان ربح فهو بينهما ، این در خود مضاربه است .

اینجا هم همینطور است المال الذي يعمل به مضاربة له من الربح وليس عليه من الوضیعة شیء الا ان يخالف امر ، مضمونش یکی است . آیا این ، سند که یکی است ببینید شیخ از احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن عیسی عن ابن ابی عمیر عن ابان و یحیی عن

ابی المغری عن الحلبي سند دقیق ، آن دومی هم همین است ، این جا یک نکته ای بود که من سابقا عرض کردم فقط یک نکته ی ظریف

این است تقریبا مضمون کلام یکی است متن مختلف است . آیا در کتاب احمد هر دو بوده ؟ دقت کردید ؟

این حدیث بعدی که شیخ باسناده عن احمد بن محمد دارد ببینید در حدیث قبلی احمد بن محمد بن عیسی است اینجا احمد بن محمد تنها ، در این بین استبصار و تهذیب اختلاف است در یکی محمد بن عیسی نیست . و لذا عرض کردیم احتمال داده شده این را من سابقا هم شرح دادم دیگر حالا امروز هم حال شرح تکرار مکررات نداریم می گویند اگر شیخ دو تا تعبیر آورد اشاره به دو مصدر است این دقت شیخ است نیابند بگویند در یک کتاب محمد بن عیسی افتاده در یکی آمده لذا عرض کردیم شیخ اگر گفت احمد بن محمد بن عیسی از سه مصدر نقل کرده اگر گفت احمد بن محمد از دو مصدر این که معروف شده اگر شیخ به اسم احمد بن محمد شروع کرد یعنی از کتاب اوست این واقعیت ندارد و ما هر پنج تایش را سابقا امروز هم مراجعه نکردیم چون حافظه هم دیگر گاهی خراب است ، در این نسخه ی تهذیب خودم نوشتم استخراج کردم .

سه موردش از کتاب احمد بن محمد بن عیسی است ، سه موردش ، یک موردش از کتابش است ، چهار موردش از جای دیگر است ، آن وقت یک جاهایی احمد بن محمد است یک جاهایی احمد بن محمد ، لذا اگر این مطلب درست باشد که احتمالا یک مقدارش درست باشد از یک مصدر که نقل کرده اولادرش محمد بن عیسی است و آن متن از مصدر دیگری که نقل کرده درش محمد بن عیسی نیست مستقیم ابن ابی عمیر . پس این اشکال به شیخ نیست عرض کردم توضیح دادم از یعنی نسخ کتاب شیخ روایتی را که شیخ نقل می کند گاهی مثلا از مصدري نقل می کند کافی هم مثلا از همان مصدر با هم اختلاف دارند و از این اختلافات در کتاب تهذیب و استبصار زیاد است و عرض کردیم اولین کسی که متنبه این نکته شد مرحوم شهید ثانی در درایه است .

این را من چرا عرض می کنم تکرار می کنم کتاب در قرن پنجم نوشته شده مناقشه ی متن در قرن دهم آمده است . لذا ما آمدیم متن را همان اول آوردیم ، دقت کردید ؟ این است که یک مقدار می بینیم اصحاب در بحث حدیث ضعیف هستند نکاتش این است . یعنی خوب در همان قرن پنجم و ششم مقابله ی متون می شد بررسی متون می شد .

مرحوم شهید ثانی متنبه می شود که روایات شیخ گاهی با کافی با فقیه اختلاف دارد سند هم اصطلاحا یکی است یعنی آخر سند فرض کنید حریر عن زراره نه اینکه کل سند و ما این را توضیحات را عرض کردیم و متاسفانه نه متاسفانه خوشبختانه پسر ایشان صاحب معالم منتقی الجمان را نوشته این کار را کرده است یعنی پدرش متنبه شده البته منتقی الجمان هر سه مصدر را مقایسه کرده کافی و تهذیب و فقیه

یا نسخ فقیه تهذیب با این البته عرض کردم کرارا عرض کردم یکی از امتیازات بسیار بسیار مهم منتقی الجمان که ای کاش همه اش به ما

می رسید یکی این است که کتاب تهذیب به خط شیخ نزد ایشان بوده است لذا این نقل او ارزش مضاعف دارد دقت فرمودید ؟

چون این نسخه ی تهذیب در اختیار مرحوم پدر ایشان شهید ثانی بوده به دست ایشان رسیده از آن نسخه نقل می کند دقت کردید لکن

باز بعد از صاحب منتقی پیگیری خیلی نشد دارند عده ای حتی صاحب وسائل که بعد از منتقی است باز تسامح دارد مثله نحوه تسامح

دارد. معاصر منتقی است نه اینکه منتقی ، باز هم متأسفانه ایشان تسامح دارد در این قسمت و لذا بعد از صاحب وسائل هم باز مقابله ی

متون به دقت نشد مرحوم آقای بروجردی این کار را انجام داد یک مقداری در وافی هست در کتاب بحار ضعیف تر هم هست در وسائل یک

مختصری هست اما خیلی کم است وافی بیشتر دارد .

یکی از اهدافی که مرحوم آقای بروجردی متعرض شدند همین مساله بود که متون با همدیگر مقابله بشود یعنی نکته ای الان جا ماند

اینجا مقابله ی متون را نداریم .

یکی از حضار : یعنی مثله را حدیث مجزا شماره می زد می آورد .

آیت الله مددی : نه مثله می آورد شماره یکی می زد اما نقاط اختلاف را می آورد .

بین نسخه ی تهذیب با استبصار ، تهذیب با کافی با فقیه می آورد بین قوسین و یا با پرانتز یا در هامش نقل کردند و ما هنوز در باب متن

کار زیاد باید بکنیم خیلی زیاد و این را عرض کردم اضافه ی بر کار متن چون ما یک مخلوطی از سند و فهرست نگاه می کنیم این احتمال

که دو نسخه از دو مصدر نقل کرده خوب روشن شد ؟ یک مصدر این جور بوده محمد بن عیسی عن ابن عمیر این آنجا که گفته احمد بن

محمد بن عیسی آن جایی که گفته احمد بن محمد مستقیم به ابن ابی عمیر روشن شد مورد ما ؟

این احتمال وارد است یعنی در حقیقت حدیث یکی بوده لکن از دو مصدر نقل کرده لذا می بینیم که متنش مختلف است و اما متن

حلبی با متن ابو الصباح کنانی دیروز هم عرض کردم این هم برای ما عجیب است نمی دانم ابو الصباح از ایشان گرفته یا ابو الصباح

گرفته خیلی متون شان بعضی ها که کاملاً شبیه هم هستند کاملاً به هم می خورند .

پس حدیث شماره ی ۲ ذیلش که از احمد است با حدیث شماره ی ۴ سنداً دقیقاً یکی هستند مضموناً هم یکی هستند اما متناً شماره ی

۴ با شماره ی ۳ می خورد .

باز دارد و باسناده عن الحسن بن سعید عن ابن ابی عمیر عن حماد عن حلبی فی الرجل ، مضمونش یکی است این احتمالاً نسخه ی

حسین بن سعید از کتاب ابن ابی عمیر باشد احتمالاً هم کتاب خودش باشد ، وعنه عن محمد بن الفضیل عن الکنانی ما محمد بن الفضیل

عن ابی الصباح زیاد داریم ، خیلی زیاد . معظم روایات ابی الصباح محمد بن الفضیل است و همینطور که گفته شده مشترک بین چند نفر است بعضی ها مثل صاحب جامع روات گفتند محمد بن علاء بن فضیل است روشن نیست این مطلبی که ایشان فرمودند و یک چیز عجیب این است که در مجموعه ی روایاتی که ما الان مراجعه کردیم نه اینکه احصاء کرده باشند توصیفی برای ایشان نیامده که ایشان ، فکر می کنم یک وقتی در بحار روایتی دیدم محمد بن فضیل ازدی نوشته است . این را نگاه کنید فکر می کنم در وسائل شاید هم در کتب اربعه بود یک مورد من در این مدتی که دیدم البته استقصاء که نکردیم . گفت که مراجعه ی درسی بوده با کامپیوتر نبوده است یک مورد من دیدم که ایشان محمد بن فضیل ازدی نوشته است .

علی ای حال ایشان الان به لحاظ سندی و رجالی ایشان مشکل دارد تشخیصش مشکل است انصافا اگر ازدی باشد که اشکال دارد . یکی از حضار : این وسائل و امالی مفید هست .

آیت الله مددی : می گویم یک جایی من ، وسائل هم آورده ها

یکی از حضار : در هر کدام یک دانه است

آیت الله مددی : من هم بیشتر از یکی ندیدم پس معلوم می شود حافظه ی ما خیلی خراب نشده امیدوار شدیم .

علی ای حال محمد بن فضیل ازدی را آورده اگر این درست باشد چون یک مورد است الان ما قبول نمی کنیم و بعد همین روایتی که دیروز هم خواندیم بعد دارد ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن الفضیل عن ابی الصباح الکنانی صدوق به ایشان طریق ندارد در مشیخه طریق به ایشان ننوشته است . عرض کردیم مرحوم صدوق در مشیخه طریش را به روایات نوشته است حدود نود ، نود و دو سه نفر هستند طریق به آنها ندارد . در مجموعه ی طریقی که دارد حدود نود و دو سه نفر ، چهارصد و خورده ای نفر را طریق دارد و نود و خورده ای نفر مرحوم حاجی نوری در مستدرک در بحثی که راجع به فقیه دارند تمام اینها را استخراج کرده یعنی لیستش را داده به نظرم ۹۵ نوشته به نظرم . یکی از حضار : یعنی صدوق با محمد بن فضیل شروع کرده ولی در مشیخه

آیت الله مددی : طریق ندارد در مشیخه طریق ندارد . به نام ایشان شروع کرده و لکن طریق ندارد دقت می فرمایید ؟

خوب این که احتمال حالا این مواردی که هست اینها را چه کار بکنیم این خودش هم یکی از بحث های تقریبا گفت چالش بر انگیز شده است . یک احتمال دارد که چون صدوق کتابی به نام فهرست داشته است ، یک احتمال دارد که ایشان در فهرست طریقتش را به ایشان آورده است لذا در فقیه نیاورده است دقت فرمودید الان ما شیخ طوسی را بعضی ها شروع می کند در مشیخه به آنها طریق ندارد اما در فهرست دارد . این تبدیل اینها با هم دیگر احتیاج به بحث دارد .

یک احتمال دیگر دارد که این کتاب حسین بن سعید چون مرحوم شیخ طوسی منفردا از کتاب حسین بن سعید نقل کرد آن وقت این کتاب حسین بن سعید در قم مشهور بوده اصلا جزو کتب مشهوره است ، شاید کتاب حسین بن سعید مقابلش بوده از آن نقل کرده دیگر چون به هر حال ایشان یک محدث بزرگی است یعنی می دانسته که محدثین بعدی نگاه بکنند می دانند کتاب حسین بن سعید است یعنی معروف بوده دقت کردید ؟ به شهرت کتاب و مصدر اکتفا کرده دیگر اسمش را نبرده است این دو تا احتمال .

یک احتمال سوم این است که اصولا کتاب ابو الصباح کنانی در قم نسخه اش همین نسخه ی محمد بن فضیل است چون سابقا هم برای شما عرض کردیم در میان سابقین رسم بود مثلا می گفتند کتاب حریز آن وقت کتاب حریز را که می آوردند اول خود روایت حماد عن حریز این اصول ستة عشر نگاه بکنید این جوری است . حماد عن حریز ، حماد ، اسم راوی کتاب را هم می آوردند فقط در اول حدیث ، این یکی از طرقی بوده که بین قدما بوده است .

حالا چرا کتاب ابو الصباح کنانی مشهور بوده حالا این کتاب ، ابراهیم بن نعیم را بیاورید ابراهیم بن نعیم در کتاب نجاشی .

یکی از حضار : شیخ صدوق وجادتا نقل کردند سند ندادند فقط مشهور شده در قم

آیت الله مددی : خوب شهر کتاب را گفتند کافی است ببینید الان شما ابراهیم بن نعیم را از کتاب نجاشی بیاورید تا من توضیحاتش را بدهم . ما چند روزی بحث کردیم یکی بحثش همین است بحث مهمش همین محمد بن فضیل است بله بفرمایید کتاب ابراهیم بن نعیم عبدی ایشان عبدی است عبد قیس لکن منتسب شده به بنی کنانه . تصادفا کنانه همین الان در خوزستان جزو عشایر تقریبا پر جمعیت است لکن به لهجه ی محلی چنانچه می گویند . عراقی ها هم چنانچه می گویند . بفرمایید

یکی از حضار : ابراهیم بن نعیم عبدی ابو الصباح کنانی نزل فیهم ونسب الیهم کان ابا عبد الله

آیت الله مددی : متوجه شدید نزل فیهم یعنی ایشان کنانی نیست ، رفت در بنی کنانه آنجا لذا به او گفتند کنانی مثلا می گویند ایشان مشهدی نیست ایشان اهل یزد است رفته مشهد ساکن شده به او گفتند مشهدی ایشان می خواهد بگوید ولو ایشان معروف به کنانی است ایشان اهل کنانه نیست عبدی است اصلا ایشان نزل فیهم فنسب الیهم این مراد از آن عبارت کنانی است که ایشان نوشته است . بفرمایید .

یکی از حضار : کان ابا عبد الله علیه السلام یسمیه میزان و ثقة

آیت الله مددی : خوب بعدش

یکی از حضار : ذکره ابوالعباس فی الرجال

آیت الله مددی: این را می گوید این مطلب را ابوالعباس مراد از ابوالعباس در اصطلاح ایشان ابن نوح است استاد ایشان که فوق العاده معروف و مشهور است مراد ابن نوح است بفرمایید.

یکی از حضار: روی ابو جعفر

آیت الله مددی: چون مرحوم ابن نوح یک مستدرکی بر کتاب ابن عقده نوشته است و مرحوم شیخ از ابن نوح نقل نمی کند با اینکه ایشان را درک کرده است می گوید اولاً ایشان بصره بود من ایشان را ندیدم چون شیخ ۴۰۸ بغداد آمده ابن نوح ۴۰۹ فوت کرده لکن می گوید در بصره بود و من نشد ایشان را ببینم، اصف الی ذلک که به ایشان می گفت مقالات منکره نسبت داده مثل قول به رؤیت ظاهراً حدیث رؤیت را قبول داشته انکم ترون ربکم يوم القيامة، قول به رؤیت را به ایشان نسبت می دهد لذا می گوید از ایشان نشد حدیث نقل بکنم بفرمایید، اما استاد نجاشی است یکی از موارد اختلاف نجاشی و شیخ در مشایخ همین ابن نوح است بفرمایید.

یکی از حضار: رأی ابا جعفر و روی عن ابی ابراهیم علیه السلام.

آیت الله مددی: شرح دیگر نمی خواهم بدهم بفرمایید تا بگوییم.

یکی از حضار: له کتاب یروی عنه جماعة

آیت الله مددی: ببینید له کتاب یروی عنه جماعة خود این اولاً نسبت کتاب را ایشان مسلم گرفته است بعد نشان می دهد که کتاب نسخ متعدد داشته است، کتابی نبوده که بخواهیم با خبر واحد ثابتش بکنیم. نسخش کاملاً مشهور بوده بله رواه جماعة بفرمایید.

یکی از حضار: اخبرنا محمد بن علی قال حدثنا علی بن

آیت الله مددی: این محمد بن علی به اصطلاح از علمای قزوین است که عراق آمده و مرحوم شیخ نجاشی از طریق ایشان از مصادر قم نقل می کند چون عرض کردیم نجاشی در کوفه بوده مقدار زیادی از این فهارس برای قم است یکی از کارهای مهم این است که نجاشی چطور به قم رسیده و یا جناب آقای مرحوم شیخ چطور به قم رسیده، این محمد بن علی منحصرأ نجاشی نقل می کند شیخ طوسی از ایشان نقل نمی کند بفرمایید.

یکی از حضار: قال حدثنا علی بن حاتم

آیت الله مددی: علی بن حاتم قزوینی خودش ثقة است لکن متساهل ببینید رساند به آن محمد بن علی هم قزوینی است ایشان هم قزوینی است بفرمایید.

یکی از حضار: عن محمد بن احمد بن ثابت قیسی

آیت الله مددی: قیسی را درست نمی‌شناسیم، بفرمایید.

یکی از حضار: قال حدثنا محمد بن بكر والحسن بن محمد بن سماعة عن صفوان

آیت الله مددی: ببینید از اینجا سند می‌شود به کوفه یعنی طریق اجازه اینطوری است بغداد مرحوم نجاشی از این آقای که از قم مسافر بوده از قزوین برمی‌گردد به قم شاید این قیسی هم کوفی باشد حسن بن محمد بن سماعة از واقفی هاست و طریق کوفه است یعنی دیدید از بغداد به جای اینکه ایشان از بغداد مستقیم بیاید کوفه خوب نزدیک تر است ایشان دور زده آمده قم از قم رفته به کوفه حسن بن محمد سماعه‌ی واقفی، بفرمایید.

یکی از حضار: قال حدثنا محمد بن بكر والحسن بن محمد بن سماعة عن صفوان عنه

آیت الله مددی: صفوان هم که اصلش کوفی بوده یعنی بغداد بوده.

دقت بکنید حدیث چطور دوره گرفت رسید به نسخه‌ی کوفه و عراق پس یک معلوم می‌شود از این مطلب از اینکه ایشان گفت جماعة معلوم می‌شود یک نسخه‌ای در عراق و کوفه از ایشان معروف بوده بعد هم دارد؟
یکی از حضار: نه

آیت الله مددی: خوب از فهرست شیخ بیاورید ابراهیم بن نعیم، این که من عرض کردم نسبت می‌دهیم دقت کردید تمام را با دقت یکی یکی بررسی می‌کنیم آن وقت می‌گوییم مثلاً، مرحوم شیخ می‌گوید ابراهیم بن نعیم کنانی در فهرستش
یکی از حضار: ابو الصباح کنانی وقال انه ابراهیم بن نعیم له كتاب اخبرنا ابن ابی جید

آیت الله مددی: ابن ابی جید اهل قم بوده خدا رحمت کند مرحوم استاد آقای خوئی همیشه ابن ابی جید می‌خواند، در این نسخه‌های معجم هم بعضی جاها تشدید گذاشته ایشان. ابن ابی جید است، یکی از اجداد ایشان یا حالا گردن کلفتی داشته یا چه، چون جید یعنی گردن ابو جید اسم ناصر، ناصر از اجداد ایشان است از اشاعره‌ی قم است ایشان بله ابن ابی جید

یکی از حضار: ابن ولید

آیت الله مددی: خوب ابن ابی جید برای قم است از اشاعره‌ی قم است و شاگرد، شاگرد یعنی از فهرست ابن الولید را نقل می‌کند، فهرست ابن الولید یکی از اساسی‌ترین فهرست‌های موجود ماست الان که هم نجاشی هم شیخ حالا خیلی عجیب است این فهرست در اختیار نجاشی هم بوده است. دقت کنید، شیخ آمد به قم از راه ابن ابی جید، ابن ابی جید می‌آید بغداد هم نجاشی هم شیخ آثار ابن الولید از ایشان نقل می‌کند دقت کردید؟

نجاشی آمد ایران باز رفت به طرف کوفه و این کتاب قطعا نزد نجاشی هم بوده است این فهرست قطعا نزد نجاشی هم بوده است .

یکی از حضار: چرا نقل نکرده نجاشی ؟

آیت الله مددی: نمی دانم چرا .

یکی از حضار: این بهتر هم هست از آن .

آیت الله مددی: بله از آن هم بهتر است از نسخه ای که ایشان نقل کرده این بهتر است . خیلی عجیب است شاید نجاشی گفته کتاب مشهور است دیگر حالا مهم نیست لذا احتمال دادند عده ای که وقتی می گوید رواه جماعة بعد یک سند ضعیف می آورد یعنی قابل اعتماد است اینقدر نسخه دارد نمی خواهد دنبال نسخه برویم نسخه قابل قبول است . بله ابن ابی جید عن ابن الولید بفرماید .

یکی از حضار: عن الصفار

آیت الله مددی: این هم از مشایخ قم

یکی از حضار: عن احمد بن محمد

آیت الله مددی: احمد بن محمد بن عیسی این هم از مشایخ قم

یکی از حضار: عن محمد بن اسماعیل بن بزی

آیت الله مددی: عن محمد بن اسماعیل از مشایخ ، چون از بیت وزراء هستند . عن محمد بن فضیل یعنی تا احمد بن محمد اینها مشایخ قم هستند لذا ما احتمال دادیم خوب دقت کنید ، اصولا در کتاب کافی نگاه کنید صدها شاید ده ها سند داریم محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن محمد بن اسماعیل عن محمد بن فضیل عن ابی الصباح یعنی عین این سند در روایات تکرار شده است . عرض کردیم تکرار یک سند در روایات اشعار به کتاب است . روشن شد ؟ با این مقدمات اگر به هم ضم و ضمیمه بکنیم معلوم می شود یک نسخه ای از کتاب ابی الصباح در قم بوده که این نسخه را محمد بن فضیل نقل کرده است .

اگر این مقدمات را قبول کنیم الان این روایت را حکم به ارسالش می دهند چون صدوق از محمد بن فضیل مرسل است طریق به ایشان ندارد اگر این راه را رفتیم پس صدوق از کتاب ابی الصباح کنانی که له کتاب رواه جماعة نسخه ی قمی نزدش بوده است . لذا اسم نبرده و به اسم ایشان آغاز کرده است

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين